



Original Article

Implementation of Interpretive Structural Modeling to Determine The Role of Free Zones in The Iran's Economic Development

Alemeh Khosravi Katoli ^{1*}, Abbas Monavarian ², Ezatollah Abbasian ³

1. PhD student of public administration, Kish International Campus of Tehran University, Kish, Iran (*Corresponding Author).

alame_khosravi@yahoo.com

2. Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. amonavar@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

e.abbasian@ut.ac.ir

Received: Oct. 20, 2023; Revised: Feb. 04, 2024; Accepted: Mar. 18, 2024

DOI: [10.48308/jpap.2024.232887.1333](https://doi.org/10.48308/jpap.2024.232887.1333)

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to implement interpretive structural modelling to determine the role of free zones in the country's economic development. The necessity and importance of conducting research is that considering the role of free zones in the economic development of most countries, our country has taken noteworthy measures with the establishment of the first free zone in 1369 until today, but unfortunately, these zones are due to various reasons, including the structure of the government administration, lack of requirements and conditions for commercial-industrial activities, inappropriate location, lack of proper implementation of related laws, lack of necessary guarantees for foreign investment, and most importantly, legal obstacles related to the structure of the administration, redundant investment procedures, and Due to severe bureaucracy, the free zones of our country have not yet reached their true position and have not been able to play a significant role in the economic development of the country, and this research seeks to identify the factors that affect the promotion of the role of free zones in the economic development of the country and provide a model in this regard.

Design/ methodology/ approach: In terms of method, this research was qualitative-quantitative research that was conducted in the qualitative part with interpretive structural modeling. The intended statistical population is made up of experts familiar with the subject of the research, including university professors (experts in the economic field) who are among the scientific experts and officials in the field of free zones and the economic field (in the Ministry of Economic Affairs and Finance, the Secretariat of the Supreme Council of Commercial and Industrial Free Zones and the Free Zones faction of the Islamic Council), as well as legal experts in the free zones. And the data was collected and sampled theoretically through scientific interviews with 15 of these experts. In the second step, in order to validate the model obtained from the first step, a questionnaire was designed and distributed in the target statistical community, and after data collection, the validity of the model was investigated using statistical analysis.

Research Findings: The results of the current research show that the status of all indicators except the reform and communication index and the risk reduction index are favorable in the model; According to the influence-dependence diagram, the variable "implementation of policies and knowledge-orientated" has a high influence and has little influence and is placed in the independent variables area. "Development of special advantages of free zones" variables have a high influence and dependence; therefore, they are linked variables. The two variables of "facilitating the process of affairs" also have high dependence but little influence; therefore, they are considered dependent variables. The variable



"economic functions and capabilities" is also placed in the first quadrant, which is the autonomous region.

Limitations & Consequences: It was not possible to include other important intervening variables in the research due to their great complexity; also, the information was obtained from a single source and it is prudent to generalize it to other areas.

Practical Consequences: The implementation of an interpretative structural model to determine the role of free zones in the country's economic development leads to a better understanding of the decision-making environment by managers.

Innovation or value of the Article: Despite the great importance of free zones in the economic development of the country, no research has been done on the implementation of interpretive structural modelling of the role of free zones in the economic development of the country. The current research is the first step in this field.

Paper Type: Original Paper

Keywords: Interpretive Structural Modeling, Free Zones, Economic Development.

How to Cite: Khosravi Katoli, Alemeh; Monavarian, Abbas; Abbasian, Ezatollah (2024). Implementation of interpretive structural modeling to determine the role of free zones in the Iran's economic development. *Public Adm Perspect.*, 15(3), 155-175 (In Persian).



مقاله پژوهشی

اجرای مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای تعیین نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور

عالمه خسروی کتولی^{۱*}، عباس منوریان^۲، عزت‌الله عباسیان^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران (*نویسنده مسئول).

alame_khosravi@yahoo.com

۲. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

amonavar@ut.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

e.abbasian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

DOI: [10.48308/jpap.2024.232887.1333](https://doi.org/10.48308/jpap.2024.232887.1333)

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، اجرای مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای تعیین نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور است. ضرورت و اهمیت انجام تحقیق در این است که با توجه به نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی اکثر کشورها، کشور ما هم‌زمان با تأسیس نخستین منطقه آزاد در سال ۱۳۶۹ تا امروز، اقدامات قابل توجهی انجام داده است، لیکن متأسفانه این مناطق بنا به دلایل مختلف، از جمله ساختار اداره دولتی، عدم وجود الزامات و شرایط لازم برای فعالیت‌های تجاری-صنعتی، جایابی نامناسب، عدم اجرای درست قوانین مرتبط، فقدان ضمانت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی و از همه مهم‌تر، موانع حقوقی مربوط به ساختار اداره، تشریفات زائد سرمایه‌گذاری و بوروکراسی شدید، هنوز مناطق آزاد کشور ما به جایگاه واقعی خود نرسیده‌اند و نتوانسته‌اند که نقش قابل توجهی را در توسعه اقتصادی کشور داشته باشند و این پژوهش به دنبال شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور و ارائه مدل در این رابطه می‌باشد.

طراحی / روش‌شناسی / رویکرد: این پژوهش از نظر روش، یک پژوهش کیفی-کمی بوده که در بخش کیفی، با مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شده است؛ جامعه آماری مورد نظر را خبرگان آشنا به موضوع پژوهش، شامل اساتید دانشگاه (صاحب‌نظران حوزه اقتصادی) که از خبرگان علمی به شمار می‌روند و مسئولان حوزه مناطق آزاد و حوزه اقتصادی (در وزارت امور اقتصادی و دارایی، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی و فراکسیون مناطق آزاد مجلس شورای اسلامی) و همچنین، صاحب‌نظران حقوقی در مناطق آزاد تشکیل داده‌اند و داده‌ها از طریق مصاحبه علمی با ۱۵ نفر از این خبرگان گردآوری و نمونه‌گیری نیز به صورت نظری انجام شده است. در گام دوم، به منظور اعتبارسنجی مدل حاصل از گام اول، پرسشنامه‌ای طراحی و در جامعه آماری مورد نظر توزیع شد و پس از گردآوری داده‌ها، اعتبار مدل با استفاده از تحلیل‌های آماری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وضعیت همه شاخص‌ها به جز شاخص اصلاحات و ارتباطات و شاخص کاهش ریسک‌ها، در مدل مطلوب می‌باشد؛ بر اساس نمودار قدرت نفوذ-وابستگی، متغیر «اجرای خط‌مشی‌ها و دانش‌محوری» قدرت نفوذ بالایی داشته و تأثیرپذیری کمی دارند و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفته است. متغیرهای «توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد» قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند؛ بنابراین، متغیرهای پیوندی هستند. دو متغیر «تسهیل روند امور» نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار هستند؛ بنابراین، متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند. متغیر «کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی» نیز در ربع اول یعنی ناحیه خودمختار قرار گرفته است.

محدودیت‌ها و پیامدها: امکان وارد شدن متغیرهای مداخله‌گر مهم دیگر به تحقیق، به علت پیچیدگی‌های زیاد آن‌ها، وجود نداشته است؛ همچنین، اطلاعات از منبعی واحد به دست آمده‌اند و تعمیم آن‌ها به مناطق دیگر جای احتیاط دارد.



پیامدهای عملی: اجرای مدل ساختاری تفسیری برای تعیین نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به‌وسیله مدیران می‌شود.

ابتکار یا ارزش مقاله: با وجود اهمیت فراوان مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور، تاکنون پژوهشی در زمینه اجرای مدلسازی ساختاری تفسیری نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور انجام نشده است. پژوهش حاضر، نخستین گام در این زمینه است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلمات کلیدی: مدلسازی ساختاری تفسیری، مناطق آزاد، توسعه اقتصادی.

استناددهی: خسروی کتولی، عالمه؛ منوریان؛ عباس؛ عباسیان، عزت‌الله (۱۴۰۳). اجرای مدلسازی ساختاری تفسیری برای تعیین نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱۵(۳)، ۱۵۵-۱۷۵.



مقدمه

بر اساس تعریف بانک جهانی «منطقه آزاد تجاری قلمرو معینی است که غالباً در محدوده یک بندر یا در مجاورت آن قرار گرفته و در آن، تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است؛ مناطق آزاد در کشورهای گوناگون، برای آسان نمودن برقراری ارتباط بین اقتصاد ملی و اقتصاد بین‌المللی استفاده می‌شوند. دولت‌ها برای استفاده از این فرصت، ساختارهای مورد نیاز را در این مناطق ایجاد کرده و مشوق‌های بسیاری را برای سرمایه‌گذاران در این منطقه‌ها اختصاص می‌دهند. بیشتر کشورها تلاش می‌کنند از راه جذب سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق، نیازهای ارزی را برآورده و بستر اشتغال‌زایی در قسمت‌های گوناگون را ایجاد کنند.

مطالعه تجربه کشورهای دارای مناطق آزاد نشان می‌دهد که در اغلب کشورها ابتدا منطقه ویژه اقتصادی به عنوان نوعی از مناطق آزاد اقتصادی شکل گرفته و در مراحل بعدی، منطقه آزاد تجاری یا منطقه پردازش صادراتی درون همین مناطق ویژه اقتصادی، شروع به فعالیت نموده است و بنگاه‌های تولیدی مستقر در این مناطق با ابزارهای مختلفی، برای صادرات محصولات تولیدی خود به دیگر کشورها تشویق می‌شوند (Siroen, 2014). لازمه عملکرد موفقیت‌آمیز این مناطق، وجود زیرساخت‌های مناسب، وجود کارکرد تخصصی محدود و محصور شده و رفع موانعی است که این مناطق در شرایط حاضر با آن‌ها مواجه‌اند. بر این اساس، بررسی مناطق آزاد موفق در جهان مبین این است که این مناطق برای پیشرفت اهدافی چون توسعه صادرات، افزایش اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری‌های جدید، توجه به ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز را مد نظر قرار داده‌اند که این، باعث تقویت اقتصاد ملی می‌شود (Polat, 2012). فلسفه وجودی مناطق آزاد، مرتفع نمودن کمبودهای توسعه اقتصادی است؛ به همین دلیل، ظاهراً ایجاد مناطق آزاد با تمایلات جهانی هم‌راستا است و این استراتژی، امکان را برای کشورهایی که از نظام اقتصادی جهانی بیرون هستند، فراهم می‌نماید تا با به دست آوردن شرایط لازم ادغام در اقتصاد جهانی، بستر را برای ورود خود به آن حوزه ایجاد نمایند؛ با این حال، علی‌رغم رواج مناطق ویژه اقتصادی در سراسر جهان، عملکرد و تأثیر آن‌ها بر اقتصاد و تحول ساختاری، کاملاً متفاوت است. در میان درس‌های فراوانی که از برنامه‌های موفق منطقه ویژه اقتصادی آموخته شده است، عناصر کلیدی شامل موقعیت استراتژیک، ادغام استراتژی منطقه با استراتژی توسعه کلی، درک بازار و استفاده از مزیت نسبی و مهم‌تر از همه، اطمینان از «ویژه» بودن مناطق است.

در حال حاضر، کشور ما به توسعه در تمامی سطوح نیاز مبرم دارد؛ علی‌الخصوص توسعه اقتصادی که در رأس گفتمان اصلی برنامه‌های اکثر کشورها نیز می‌باشد و ایجاد مناطق آزاد، یکی از راهکارهای مهم و تأثیرگذار در این راستا است که می‌تواند شکل‌گیری فرآیند توسعه را سرعت بخشد (Islamic Council Research Center, 2015). ضرورت ایجاد مناطق آزاد و عملکرد مناسب این مناطق، بر اساس یک دید جهانی و یک دید ملی قابل توجیه است؛ از دید ملی، این مناطق در چارچوب خط‌مشی‌های توسعه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند و به‌خصوص، کشورهایی که به دنبال جذب سرمایه‌گذاری صادرات‌محور هستند، ایجاد مناطق آزاد تجاری را به عنوان بخشی از فرآیندهای برنامه‌ریزی و تحت کنترل دولت جهت دستیابی به توسعه اقتصادی، مد نظر دارند. از منظر جهانی نیز این مناطق در راستای توسعه اقتصاد جهانی هستند و می‌توان با برداشتن گام‌های کوچک‌تر و مطمئن‌تر و به‌واسطه ایجاد یک ناحیه خاص و کوچک از کشور و ایجاد شرایط ویژه تجاری - صنعتی در آن، به سوی توسعه اقتصاد جهانی گام برداشت.

مناطق آزاد تجاری و صنعتی به منظور دستیابی به فناوری‌های پیشرفته و انتقال آن به درون کشور، کسب درآمد ارزی، جذب سرمایه‌های خارجی به‌ویژه در بخش‌های مولد، رشد و توسعه صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی، ایجاد فرصت‌های اشتغال در داخل کشور، افزایش تولید و ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی به‌ویژه بخش صنایع و کمک به کشورها برای ورود به بازارهای جهانی و آشنایی با تجارت خارجی و گسترش و متنوع ساختن صادرات برای اقتصادهای بسته و ناکارآمد، در کشور تأسیس شده‌اند (sayafzadeh, 2014)؛ با این حال، طبق اطلاعات جمع‌آوری شده، عملکرد مناطق آزاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ نشان

می‌دهد که سهم این مناطق (با لحاظ صادرات خدمات) از صادرات غیرنفتی کشور حدود ۱ درصد، از میزان تولید حدود ۱ درصد، از تعداد واحدهای تولیدی فعال کمتر از ۳ درصد، از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حدود ۱۰ درصد و از اشتغال‌زایی کل کشور حدود ۴ درصد بوده است. میزان واردات کالا از طریق مناطق آزاد نیز حدود ۲ برابر صادرات کالا از این مناطق به خارج از کشور است (Islamic Council Research Center, 2020). همچنین، طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۸، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی

اجرای مدل‌سازی کشور در محدوده مناطق آزاد، به صورت میانگین سالیانه حدود ۲۴۳ میلیون دلار و میانگین سالیانه جذب سرمایه‌گذاری خارجی حدود ۲۳۱۴ میلیون دلار بوده است (یعنی حدود ۱۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی کشور در مناطق آزاد بوده است)؛ به عبارت دیگر، علی‌رغم اعطای انواع معافیت‌ها به مناطق آزاد، حدود ۹۰ درصد جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشور در خارج از مناطق آزاد صورت گرفته است (Islamic Council Research Center, 2020). عدم دستیابی به اهداف تشکیل مناطق آزاد، در مقایسه با مناطق آزاد موفق جهانی، ریشه در عوامل متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اعطای غیر هدفمند معافیت‌ها و امتیازات، وابستگی منابع درآمدی مناطق آزاد به واردات، نبود زیرساخت‌های متناسب با اهداف مولد، تعیین نامناسب وسعت و مکان‌یابی غیردقیق مناطق آزاد و عدم تمرکز بر وظایف تخصصی؛ با توجه به شرایط فوق، دغدغه اصلی محقق در پژوهش حاضر، بررسی نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور، با اجرای مدل‌سازی ساختاری تفسیری می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش، ابتدا مبانی نظری مرتبط با موضوع پژوهش، شامل معرفی اجمالی مناطق آزاد تجاری و همچنین، رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، مرور خواهد شد؛ سپس، پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان این بخش، مدل مفهومی پژوهش آورده خواهد شد.

مناطق آزاد تجاری

مناطق ویژه اقتصادی از پاسخگویی به رقابت جهانی برای فضاهایی که به بهترین وجه برای جذب تولید ملموس مناسب هستند، به پاسخگویی به رقابت برای فضاهایی با بهترین شرایط برای ایجاد ارزش و محافظت از ثروت تغییر کرده‌اند (Sabine and Hesse, 2022). مک‌گرو و لویئز جهانی شدن را به مثابه تضارب پیوندها و اندرکنش‌ها میان دولت‌ها و جوامع می‌دانند که به پیدایش نظام جهانی منجر شده است. از نظر آن‌ها مفهوم جهانی شدن فرآیندی را تشریح می‌کند که به واسطه آن تجربه‌ها، تصمیم‌ها و فعالیت‌های جاری در یک بخش از جهان دارای پیامدهای معناداری برای افراد و جوامع در فواصلی به مراتب دوردست و در بخش‌های دیگر آن است (Maeman et al, 2013). مفهوم نظام جهانی مستلزم پذیرش وابستگی عملکردی دولت‌ها و شرکت‌های مختلف اقتصادی به یکدیگر در زنجیره تولید و مصرف کالا است. مشارکت در زنجیره تولید کالا در واقع، مشارکت در فرآیند گردش جغرافیایی کار، سرمایه و مصرف میان سطوح مختلف فضایی از سطح محلی تا جهانی است. به دلیل این که کشورها و شرکت‌های اقتصادی در فرآیند تولید و مصرف کالا از نظر منافع و زیان‌ها از سهم یکسانی برخوردار نیستند، همواره ترکیبی از همکاری و کشمکش میان کشورها و شرکت‌های مختلف وجود دارد. همچنان که والراشتاین معتقد است که نظام جهانی یک سیستم اجتماعی است که از مرزها، ساختارها، گروه‌ها، قوانین مشروعیت و انسجام برخوردار است، حیات نظام جهانی حاصل نیروهای متعارضی است که از طریق همکاری و کشمکش به آن انسجام می‌بخشند و همچنان که درصدد شکل‌دهی به این نظام در راستای منافع خود بر می‌آیند، سبب واگرایی در آن می‌شوند (Waller stein, 2010). ایده مرکزی در نظریه‌های جهانی شدن این است که بسیاری از مسائل معاصر را نمی‌توان به نحو کارآمدی در سطح دولت-ملت مطالعه کرد و باید بر اساس فرآیندهای جهانی به آن مسئله نگریست (sklair, 2010). بر اثر این فرآیندها، سیستم‌های سکونت‌گاهی کشورها بازتاب نقشی است که دولت‌های ملی در سیستم اقتصادی بین‌المللی بازی می‌کنند (shakoyi, 2013)؛ برای مثال، والراشتاین تقسیم کار را در نظام جهانی بر این اساس توضیح می‌دهد که کشورهای مرکز عوامل پیش برنده نظام اقتصاد جهانی هستند و کشورهای پیرامونی از

طریق فراهم کردن مواد خام، کالاها، عرضه نیروی کار و بازار کالا و خدمات، به کشورهای مرکز کمک می‌کنند (Pitzl, 2014). مفهوم سیستم جهانی بیش از آن که بر مفهوم وابستگی تأکید داشته باشد، بر مفهوم همبستگی و روابط میان بازیگران مختلف تأکید دارد. با وجود این، تحلیل والرشتاین از نظام جهانی به شدت مورد توجه جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسانی قرار گرفت که به دیدگاه نوسازی در جوامع درحال توسعه معترض بودند. این گروه از پژوهشگران بیش از آن که به مفهوم همبستگی کشورها در نظام جهانی تأکید داشته باشند، بر مفاهیم وابستگی یک‌سویه تأکید دارند. این دیدگاه در دهه ۱۹۶۰ تا حدود زیادی ناشی از این مسئله بود که کشورها در نظام اقتصاد جهانی از منافع ناهمساز برخوردار هستند. بر اساس نظریه وابستگی، وابستگی اقتصادی زمانی به وجود می‌آید که کشورهای پیرامونی به تولید چیزی تشویق شوند که خودشان آن را مصرف نمی‌کنند (یعنی مواد اولیه) و آن چیز را مصرف کنند که خود آن را تولید نمی‌کنند (مثل کالاهای صنعتی) (Warf, 2016).

مناطق آزاد تجاری در کشورهای درحال توسعه برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، سرعت بخشیدن به صنعتی شدن و ایجاد شغل رشد کرده‌اند (Agarwal, 2022). واقعیت این است که طرفداران نظریه وابستگی تلاش کردند تا نارسایی‌های اجتماعی و اقتصادی در کشورهای درحال توسعه را متأثر از روابط یک‌سویه با کشورهای پیشرفته نشان دهند و این نکته را نادیده می‌گرفتند که رقابت میان کشورها و مؤسسات اقتصادی برای انباشت سرمایه و کسب ارزش افزوده یک واقعیت است و به جای مقابله با فرآیند رقابت در امر تولید، باید با آن همگام شد؛ در مقابل، نظریه وابستگی معتقد بود که روابط کشورها در نظام تولید جهانی یک بازی با حاصل جمع صفر است که در آن سود کشورهای توسعه‌یافته الزاماً به معنای همان مقدار زیان برای کشورهای درحال توسعه است. به همین دلیل از دهه ۱۹۶۰ به بعد، بسیاری از کشورهای درحال توسعه برنامه‌های توسعه را بر مبنای خودکفایی تنظیم کردند و از مزایای رقابت در بازار تولید جهانی، مانند ایجاد انگیزه برای ارتقاء فناوری و ساختار سازمانی تولید ملی، بهره‌گیری از مزایای همکاری در نظام تولید، ارتقاء و بهبود زیرساخت‌ها و سرمایه‌های عمومی، ارتقاء مهارت و دانش نیروی کار، تنوع‌بخشی به اقتصاد ملی، انگیزه افزایش کیفیت تولید ملی و بهره‌گیری از اقتصاد مقیاس خود را محروم ساختند. با وجود نقش انکارناپذیر نیروهای خارجی در جهت‌دهی به جریان فضایی سرمایه باید پذیرفت که کشورهای درحال توسعه از پتانسیل سرمایه‌پذیری پائینی در نظام تولید و رقابت جهانی نیز برخوردار هستند و علی‌رغم بازار مصرف گسترده و فزاینده، بازار تولید و فراوری کالا در آن‌ها از مزیت‌های نسبی - مکانی کافی برخوردار نیست و توانایی لازم را برای جذب سرمایه ندارند تا به جای اعطای یارانه‌ها به بخش صنعت و تجارت، محیط کسب‌وکار را برای سرمایه‌گذار جذب کنند (Turok, 2014).

فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بخش صنعت و تجارت به طور عمده شامل دو بخش عمده می‌شود: در گام اول برای این که یک پروژه سرمایه‌گذاری سودمند باشد، باید بتواند معیار سرعت بازگشت‌پذیری سرمایه و سود را بر اساس نظر سرمایه‌گذار تأمین کند و در گام دوم و پس از آن که نوع فعالیت اقتصادی مطلوب سرمایه‌گذار مشخص شد، باید مکان فعالیت مورد نظر تعیین شود. نکته کلیدی که در فرآیند تعیین مکان فعالیت‌های تولیدی و تجاری باید در نظر داشت، این است که مؤلفه‌های مکانی که مانع یا محرک سرمایه‌گذار می‌شوند، تا حدود زیادی خارج از کنترل مستقیم سرمایه‌گذار هستند (Begg, 2012). این مؤلفه‌ها شامل سرمایه‌ها و زیرساخت‌های عمومی، بازار بومی سرمایه، بازار نیروی کار بومی، سرمایه اجتماعی و شیوه حکمروایی و نحوه اعمال قدرت در بازار سرمایه و تولید می‌شود که به طور عمده، دربرگیرنده عوامل و نیروهای رشد و توسعه بومی هستند و دولت‌ها در تقویت یا تضعیف آن‌ها نقش عمده‌ای دارند. گفته شد که از دهه ۱۹۶۰ به بعد، بسیاری از کشورهای درحال توسعه برنامه‌های توسعه را بر مبنای خودکفایی تنظیم کردند. در این فرآیند با تأکید بر قلمروگرایی و دولت-ملت، یک توافق و هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی شکل گرفت که بازار تولید و مصرف داخلی را در انحصار عوامل تولید داخلی قرار داد و آن را از جریان رقابت جهانی در امان نگه داشت. بر اساس نظریه تیلور، دولت-ملت‌ها به عنوان یک سطح میانی (سطح ایدئولوژیک) نقش اساسی ایفا کردند. دولت-ملت‌ها به عنوان حلقه اتصال میان سطح جهانی یا همان سطح واقعیت که نظام سرمایه‌داری در این مقیاس عمل

می‌کند و سطح محلی (شهری) یا همان سطح تجربه‌های روزمره زندگی عمل کردند (Taylor, 2012) و با بهره‌گیری از رسانه‌ها توانستند مسئله نابرابری‌های طبقاتی موجود درون کشورهای درحال توسعه را به مسئله رقابت میان کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته تبدیل کنند. دولت‌ها روحیه ملی‌گرایی و قلمرو گرایی را تقویت کردند و هویت مردم در سطح محلی به این صورت شکل گرفت که آن‌ها به عنوان یک گروه واحد (دولت-ملت) توسط جهان بیرون تحت فشار هستند (Cox, 2018).

اجرای مدل‌سازی

مدلسازی ساختاری تفسیری

ساختاری-

تفسیری ...

مدلسازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های اکتشافی طراحی مدل در مدیریت است که ایده اولیه آن توسط وارفیلد (۱۹۷۴)^۱ مطرح و توسط اندرو سیچ (۱۹۷۷)^۲ معرفی گردید. رویکرد ISM^۳ خبرگان را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری، ترسیم کنند. این روش برای نظم بخشیدن و جهت‌دهی به پیچیدگی روابط میان سازه‌ها عمل می‌کند. در این روش با تحلیل تأثیر یک سازه بر سازه‌های دیگر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان سازه‌های یک سیستم بررسی و بدین‌وسیله بر پیچیدگی روابط بین سازه‌ها غلبه می‌شود (Azar et al, 2018).

۱۶۲ | صفحه

این روش یک فرآیند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند؛ در واقع، با استفاده از این روش، تأثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی می‌شود؛ در این صورت، می‌توان روابط سازه‌ها را شناسایی کرد و مدلی ساختاری تفسیری از سازه‌ها ارائه کرد و در نهایت، سازه‌ها را بر اساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی طبقه‌بندی نمود.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که به طور کلی، در زمینه وضعیت مناطق آزاد تجاری، تحقیقاتی انجام شده است؛ از جمله، وانلینگ^۴ و همکاران (۲۰۲۲) به این موضوع پرداختند که آیا ایجاد مناطق آزمایشی آزاد تجاری موجب تحول و ارتقای الگوهای تجاری می‌شود؟ نتایج این مطالعه نشان داد که ایجاد مناطق آزاد تجاری آزمایشی در چین به عنوان میدان اصلی نبرد برای توسعه تجارت با کیفیت بالا، یک استراتژی مهم برای ترویج تحول و ارتقاء کیفیت و الگوهای تجارت بوده است و باعث تحول و ارتقای الگوهای تجاری چین شده است. زنگ و نوتس (۲۰۲۱)^۵ تحقیقی با عنوان گذشته، حال و آینده مناطق ویژه اقتصادی و تأثیر آن‌ها انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که مناطق ویژه اقتصادی، نشان‌دهنده یک سازش جدید یک‌جانبه بین دولت و بازار است که علاوه بر ابزارهای حقوق اقتصادی بین‌المللی، با ارائه خود به عنوان یک روش مکمل یا جایگزین برای ادغام با بازار جهانی، به جهانی‌شدن اقتصادی کمک می‌کند. قنبر پور و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی با عنوان تحلیل تأثیر مناطق آزاد بر توسعه اقتصادی در ایران (مطالعه موردی: منطقه آزاد ارس) انجام دادند. یافته‌ها نشان داد منطقه آزاد ارس به عنوان یکی از این مناطق است که در شمال غربی کشور به عنوان پل ارتباطی با منطقه قفقاز و اروپای شرقی، می‌تواند نقش مهمی را برای توسعه روابط اقتصادی ایفا کند.

پژوهش حاضر، برای نخستین بار، به دنبال بررسی نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور، با اجرای مدل‌سازی ساختاری تفسیری می‌باشد.

1- Warfield.J.N

2 - Sage.A.P

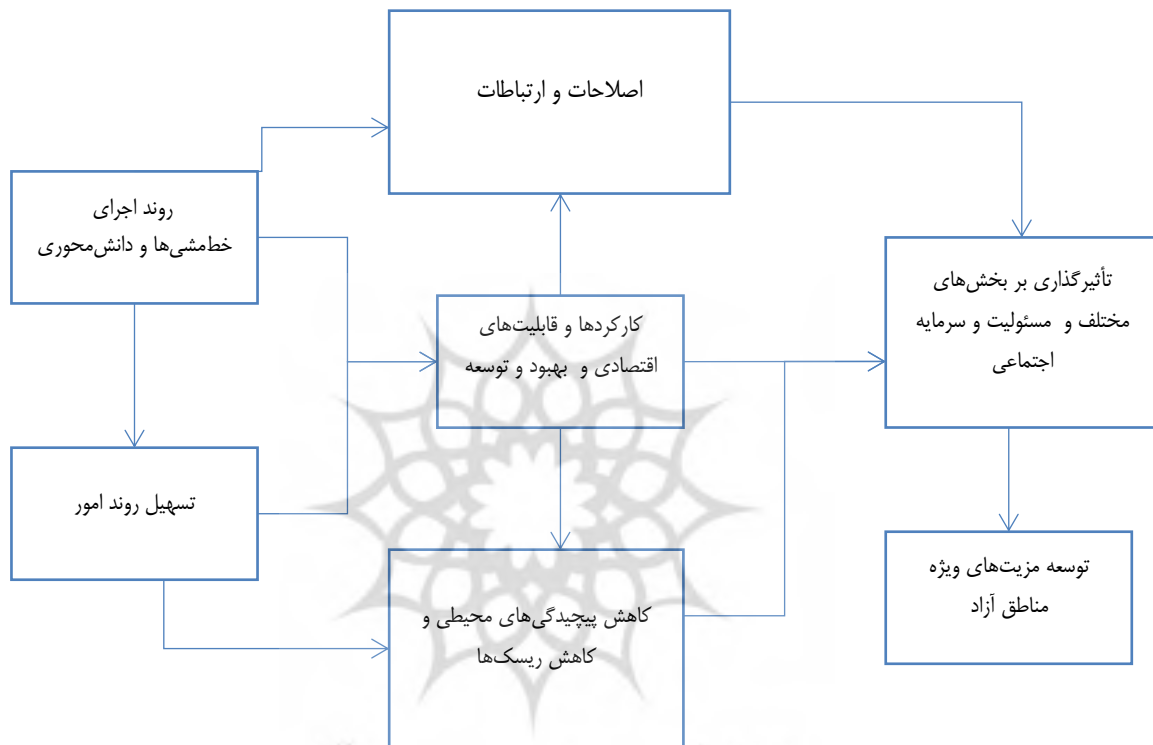
3- Interpretive structural modeling

4 - Wanling

5 -Zang.D & Notes A

چهارچوب مفهومی پژوهش

برای طراحی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل خط‌مشی‌گذاری برای ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور ایران، از روش مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده شده است. از این روش جهت شناسایی روابط مستقیم و غیر مستقیم مجموعه‌ای از عناصر استفاده می‌شود؛ به عبارتی، در روش مدلسازی ساختاری تفسیری، مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند و با استفاده از این روش، تأثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی می‌شود و بر این اساس، روابط سازه‌ها شناسایی و مدل ساختاری تفسیری از سازه‌ها ارائه می‌شود؛ در نهایت، سازه‌ها بر اساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی، طبقه‌بندی می‌شوند. شکل ۱ چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.



شکل ۱- چهارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

با توجه به هدف و ماهیت، این پژوهش از نظر روش، یک پژوهش کیفی-کمی بوده که در بخش کیفی با مدلسازی ساختاری تفسیری انجام شده است. یکی از قوی‌ترین و مناسب‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و علوم اجتماعی تجزیه و تحلیل چند متغیره، مدلسازی ساختاری تفسیری است، زیرا ماهیت این‌گونه موضوعات چند متغیره بوده و نمی‌توان آن‌ها را با شیوه دو متغیری (که در هر بار تنها یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود) حل نمود. تجزیه و تحلیل چند متغیره به یک سری روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاق می‌شود که ویژگی اصلی آن‌ها، تجزیه و تحلیل هم‌زمان k متغیر مستقل و N متغیر وابسته است (Azar, 2001). از روش مدلسازی ساختاری تفسیری، جهت شناسایی روابط مستقیم و غیرمستقیم مجموعه‌ای از عناصر استفاده می‌شود. یکی از ویژگی‌های متمایز این روش آن است که با استفاده از آن می‌توان مباحث پیچیده را ساختاربندی کرده و آن‌ها را به صورت گرافیکی به تصویر کشید. جامعه آماری مورد نظر را خبرگان آشنا به موضوع پژوهش، شامل اساتید دانشگاه (صاحب‌نظران حوزه اقتصادی) که جزو خبرگان علمی به شمار می‌روند و مسئولان حوزه مناطق آزاد و حوزه اقتصادی (در وزارت امور اقتصادی و دارایی، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی و فراکسیون مناطق آزاد مجلس شورای

اسلامی) و همچنین، صاحب‌نظران حقوقی در مناطق آزاد تشکیل داده‌اند. در این بخش، نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شده است؛ اما از آنجاکه در روش‌های کیفی، نمونه‌برداری آزادی و نه تصادفی است و متمرکز بر استخراج و تحلیل و تصحیح چندباره داده‌ها و مفاهیم است، معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری، کفایت نظری مقوله‌ها یا مفاهیم درون داده‌ها است؛ یعنی تا زمانی نمونه‌برداری ادامه دارد که نمونه بعدی مطلب تکمیل‌کننده‌ای به مقوله‌های مورد نظر مدل نیفزاید؛ همچنین، اجرای مدل‌سازی در نمونه‌گیری نظری از رویدادها نمونه‌گیری می‌شود نه لزوماً از افراد و چنانچه به افراد نیز مراجعه شود، هدف اصلی و کلیدی ساختاری-تفسیری ... کاوش رویدادها است. اگرچه قاعده خاصی برای حجم نمونه در راهبرد کیفی وجود ندارد ولی برای گروه‌های همگون ۶ تا ۸ واحد و برای گروه‌های ناهمگون ۱۲ تا ۲۰ واحد پیشنهاد شده است؛ مصاحبه‌ها نیز تا اطمینان از اشباع نظری ادامه پیدا خواهد کرد. در پژوهش حاضر با ۱۲ نفر از اساتید دانشگاه (صاحب‌نظران حوزه اقتصادی) که جزو خبرگان علمی به شمار می‌روند و مسئولان حوزه مناطق آزاد و حوزه اقتصادی (در وزارت امور اقتصادی و دارایی، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی و فراکسیون مناطق آزاد مجلس شورای اسلامی)، صاحب‌نظران حقوقی در مناطق آزاد حالت اشباع حاصل شد. بخش کمی پژوهش هم به صورت مقطعی و در سال ۱۴۰۱ با مسئولان ارشد حوزه مناطق آزاد و حوزه اقتصادی (در وزارت امور اقتصادی و دارایی، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی و فراکسیون مناطق آزاد مجلس شورای اسلامی) انجام شد.

در گام دوم، به منظور اعتبارسنجی مدل حاصل از گام اول، با استفاده از ابعاد و متغیرهای مدل، ابتدا پرسشنامه‌ای طراحی و در جامعه آماری مورد نظر توزیع شد و پس از گردآوری داده‌ها، اعتبار مدل با استفاده از تحلیل‌های آماری مورد بررسی قرار گرفت. جهت بررسی وضع موجود در قسمت کمی پژوهش نیز از پرسشنامه با پاسخ‌های بسته طیف لیکرت استفاده شد که خروجی بخش کیفی سوالات آن را تشکیل می‌داد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

پس از مصاحبه با جامعه مشارکت‌کنندگان پژوهش، ۱۱ مقوله اصلی و ۶۸ مقوله مرتبط با موضوع پژوهش، شناسایی و استخراج شد. جدول ۱ مقوله‌های اصلی و فرعی به‌دست‌آمده از مصاحبه با خبرگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مؤلفه‌های اصلی^۱ و فرعی^۲

کدهای نظری ^۳	کدهای باز ^۴
روند اجرای خط‌مشی‌ها	ترغیب سرمایه‌گذاری
	سازگاری قوانین و مقررات بانکی و مالی
	تدوین برنامه‌ها و اهداف کلان
	کاهش فساد و منفعت‌طلبی
	دیپلماسی هوشمند
توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد	ایجاد فضای رقابتی سالم
	معافیت‌های مالیاتی
	تعرفه گمرکی
	متفاوت بودن برخی قوانین
	ارائه تسهیلات ویژه

۱- مضامین یا مفاهیم اصلی (The main concepts)

۲- مفاهیم فرعی زیرمجموعه هر مفهوم اصلی (Sub concepts)

۳- اشاره به تلفیق میان مفاهیم، توسط یک الگوی ارتباطی دارد. کدهای نظری مفاهیم تکه‌تکه شده را به هم بافته و چگونگی ارتباط ممکن میان کدهای حقیقی را که برای تلفیق به صورت یک نظریه مفروض هستند، مفهوم‌سازی می‌کنند.

۴- در کدگذاری باز، داده‌ها شکسته می‌شوند، سپس به لحاظ مفهومی گروه‌بندی می‌گردند و مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها تولید می‌شود.

کدهای نظری ^۱	کدهای باز ^۲
کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی	ارائه مشوق‌ها
	سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات
	ایجاد فرصت‌های اشتغال در داخل کشور
	رشد و توسعه صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی
	افزایش تولید و ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی
	کمک به کشورها برای ورود به بازارهای جهانی
	امکان انتقال ارز و انتقال فناوری
	ارتباط با بازارهای جهانی
	گسترش و متنوع ساختن صادرات
	جذب سرمایه‌های خارجی
	اصلاحات ساختاری تدریجی
اصلاحات و ارتباطات	ایجاد ارتباط بین صنایع
	اصلاح نحوه اداره مناطق آزاد
	اصلاح بازیگران و تصمیم گیران
	اصلاح قوانین و حذف بوروکراسی‌ها
	توسعه صنعت توریسم
بهبود و توسعه	بهبود امکانات فرودگاهی و بندری در مناطق
	مدرن بودن سیستم حمل‌ونقل به مناطق (مسافری و باربری)
	کاهش نرخ بیکاری
	توسعه و تقویت زیرساخت‌ها
	محرومیت‌زدایی
	کارآفرینی و افزایش اشتغال در مناطق
	استفاده از دانش روز و عامل نوآوری
دانش محوری	به‌کارگیری نیروهای متخصص
	انتقال فناوری‌های پیشرفته
	افزایش مهارت نیروی انسانی
	برنامه‌های آموزشی
	شایسته‌سالاری
	استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان فعال و موفق
	پیچیدگی فناوری
کاهش پیچیدگی‌های محیطی	عدم ثبات اقتصادی
	کاهش درآمد دولت در شرایط تحریم
	کمبودهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری
	عدم دسترسی به سیستم‌های روز بانکداری پیشرفته
	در نظر گرفتن ریسک‌های راهبردی
کاهش ریسک‌ها	به روز کردن نظارت برای کاهش ریسک
	استفاده از بروزترین تجهیزات برای کاهش ریسک
	استفاده از تجربیات سایر کشورها برای کاهش ریسک
	ایجاد چارچوب مدیریت ریسک
	جلوگیری از قاچاق
	کاهش ریسک‌های مالی

کدهای نظری ^۱	کدهای باز ^۲
تسهیل روند امور	صرف کمترین منابع در اجرای خطمشی
	تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج
	افزایش درآمد عمومی
	تنظیم بازار کار و کالا
	ارائه خدمات عمومی
	استفاده از ظرفیت بخش خصوصی
تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف	نقش آفرینی محلی بیشتر و توسعه منطقه‌ای
	افزایش یافتن درآمد عمومی
	نقش آفرینی بین‌المللی
	اتصال تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی
	نقش آفرینی ملی مناطق
مسئولیت و سرمایه اجتماعی	بهبود سرمایه اجتماعی
	در نظر گرفتن جامعه و محیط زیست
	شبکه‌سازی و گسترش روابط اجتماعی
	افزایش مشارکت مدنی
	افزایش اعتماد عمومی
	رعایت مسئولیت اجتماعی شرکتی

چنان که اشاره شد، به منظور طراحی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل خطمشی‌گذاری برای ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور ایران، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شده است که مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند و تأثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی می‌شود؛ سپس روابط سازه‌ها شناسایی و مدل ساختاری تفسیری از سازه‌ها ارائه می‌شود و در نهایت، سازه‌ها بر اساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی طبقه‌بندی می‌شوند. سازه‌های مورد بررسی جهت طراحی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل خطمشی‌گذاری برای ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور ایران عبارت‌اند از: روند اجرای خطمشی‌ها، توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد، کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی، اصلاحات و ارتباطات، بهبود و توسعه، دانش محوری، کاهش پیچیدگی‌های محیطی، کاهش ریسک‌ها، تسهیل روند امور، تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف و مسئولیت و سرمایه اجتماعی.

تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری^۳

نخستین گام در مدل‌سازی ساختاری تفسیری محاسبه روابط درونی شاخص‌ها است. جهت انعکاس روابط درونی میان شاخص‌ها، از دیدگاه خبرگان استفاده می‌شود. ماتریس به‌دست‌آمده در این گام نشان می‌دهد یک متغیر بر کدام متغیرها تأثیر دارد و از کدام متغیرها تأثیر می‌پذیرد. به‌طور مرسوم، برای شناسایی الگوی روابط عناصر از نمادهایی مانند جدول استفاده می‌شود.

جدول ۲- حالت‌ها و علائم مورد استفاده در بیان رابطه متغیرها

O	X	A	V
---	---	---	---

متغیر i بر j تأثیر دارد متغیر j بر i تأثیر دارد رابطه دوسویه عدم وجود رابطه

ماتریس خودتعاملی ساختاری از ابعاد و شاخص‌های مورد مطالعه و مقایسه آن‌ها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل می‌شود. اطلاعات حاصله بر اساس متد مدلسازی ساختاری تفسیری، جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل می‌گردد (Asgharpour, 2012). با توجه به علائم مندرج در جدول ، ماتریس خودتعاملی ساختاری به صورت جدول خواهد بود.

جدول ۳- ماتریس خودتعاملی ساختاری SSIM

C11	C10	C09	C08	C07	C06	C05	C04	C03	C02	C01	Main
A	O	O	O	O	O	A	V	O	A		C01
A	A	A	O	A	O	A	V	V			C02
O	O	O	A	A	O	O	O				C03
V	O	O	O	O	V	O					C04
O	V	A	V	V	O						C05
O	O	O	O	O							C06
V	V	O	O								C07
O	A	A									C08
V	A										C09
A											C10
											C11

تشکیل ماتریس دریافتی

ماتریس دریافتی^۱، از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید. در ماتریس دریافتی، درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد. همچنین برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر A منجر به B شود و B منجر به C شود، در این صورت باید A منجر به C شود؛ یعنی اگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد، باید جدول را تصحیح کرد و رابطه ثانویه را نیز نشان داد؛ بنابراین، ماتریس دریافتی متغیرهای پژوهش در جدول ارائه شده است.

جدول ۴- ماتریس دریافتی متغیرهای پژوهش

C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	RM
1	1	1	0	0	0	0	1	0	0	1	C1
0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	C2
1	0	1	1	0	0	0	0	1	0	0	C3
0	0	0	0	0	1	0	1	0	0	0	C4
1	0	1	0	1	0	1	0	0	1	1	C5
0	0	0	1	0	1	0	0	0	0	0	C6
0	1	0	0	1	0	0	0	1	1	0	C7
1	1	0	1	1	0	0	0	1	1	0	C8
0	0	1	0	1	0	0	0	1	1	0	C9
1	1	1	0	1	0	0	0	1	1	0	C10
1	1	1	1	0	0	1	1	0	1	0	C11

۱- Reachability matrix

تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و شاخص‌ها

برای تعیین روابط و سطح‌بندی معیارها باید مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها برای هر معیار از ماتریس دریافتی استخراج شود.

اجرای مدل‌سازی

ساختاری-

تفسیری ...

۱۶۸ | صفحه

- مجموعه دستیابی (عناصر سطر، خروجی یا اثرگذاری‌ها): متغیرهایی که از طریق این متغیر می‌توان به آن‌ها رسید.
- مجموعه پیش‌نیاز (عناصر ستون، ورودی یا اثرپذیری‌ها): متغیرهایی که از طریق آن‌ها می‌توان به این متغیر رسید.
مجموعه خروجی‌ها شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد. مجموعه ورودی‌ها شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. سپس مجموعه روابط دوطرفه معیارها مشخص می‌شود.

برای متغیر G_i مجموعه دستیابی (خروجی یا اثرگذاری‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق متغیر G_i می‌توان به آن‌ها رسید. مجموعه پیش‌نیاز (ورودی یا اثرپذیری‌ها) شامل متغیرهایی است که از طریق آن‌ها می‌توان به متغیر G_i رسید. پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب می‌شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجی‌ها) باشد، سطح اول خواهد بود؛ بر این اساس، عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را در مدل خواهند داشت. پس از تعیین سطح، معیاری که سطح آن معلوم شده از تمامی مجموعه حذف کرده و مجدداً مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها را تشکیل داده و سطح متغیر بعدی به دست می‌آید (Asgharpour, 2012).

بنابراین، متغیر «توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد» متغیر سطح اول یا وابسته است. پس از شناسایی متغیر(های) سطح اول این متغیر(ها) حذف می‌شوند و مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها بدون در نظر گرفتن متغیرهای سطح اول، محاسبه می‌شود. مجموعه مشترک شناسایی و متغیرهایی که اشتراک آن‌ها برابر مجموعه ورودی‌ها باشد، به عنوان متغیرهای سطح دوم انتخاب می‌شوند.

با توجه به خروجی محاسبات ISM متغیر «تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف و مسئولیت و سرمایه اجتماعی» سطح دوم است. برای تعیین عناصر سطح سوم، متغیرهای سطح دوم حذف می‌شوند و یک‌بار دیگر مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌ها بدون در نظر گرفتن متغیرهای سطح دوم محاسبه می‌شود. بر این اساس مجموعه مشترک شناسایی و متغیرهایی که اشتراک آن‌ها برابر مجموعه ورودی‌ها باشد به عنوان متغیرهای سطح سوم انتخاب می‌شوند. با توجه به خروجی محاسبات ISM «کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی» و «بهبود و توسعه» سطح سوم هستند. متغیر «کاهش پیچیدگی‌های محیطی و کاهش ریسک‌ها» در سطح چهارم قرار دارد و متغیر «اصلاحات و ارتباطات» سطح پنجم است. در نهایت «تسهیل روند امور» نیز به عنوان متغیر سطح ششم و تأثیرگذارترین متغیر مدل خواهد بود. بر اساس محاسبات مدل‌سازی ساختاری تفسیری (شکل ۱، الگوی چهارچوب مفهومی پژوهش) مشخص شده است که «روند اجرای خط‌مشی‌ها و دانش‌محوری» متغیر مستقل برون‌زا است که هیچ متغیری در مدل بر آن تأثیر ندارد.

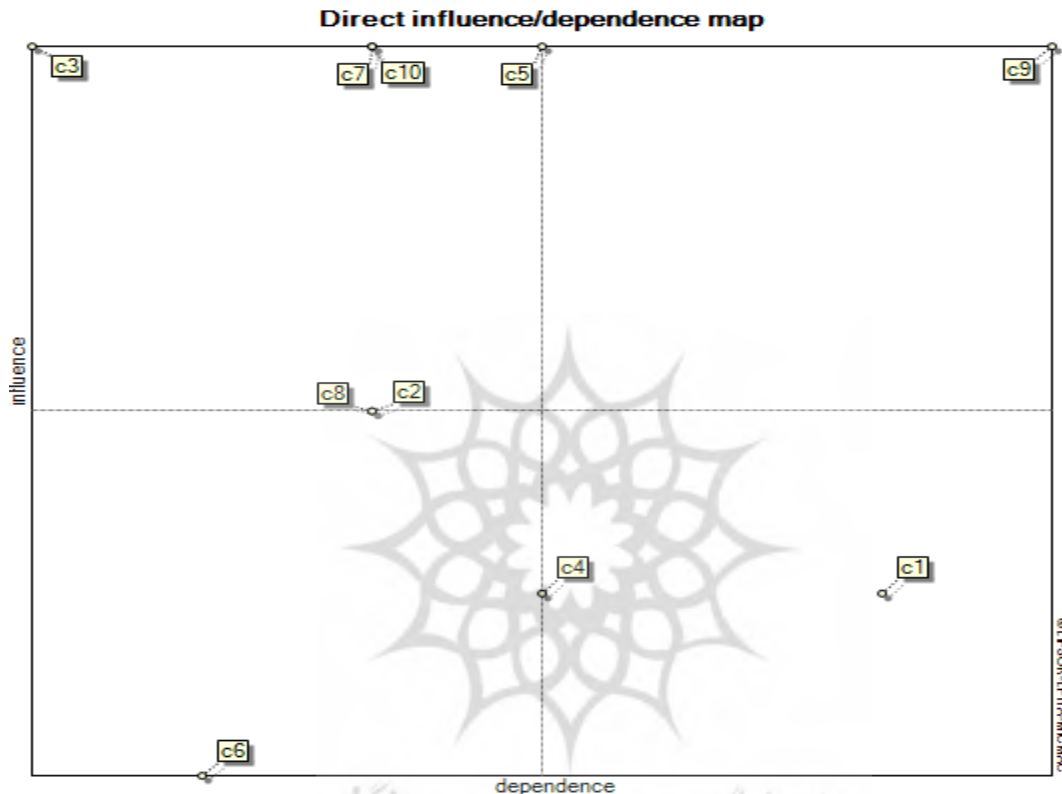
تحلیل قدرت نفوذ- وابستگی (نمودار MICMAC)

در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به‌وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی، قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. جدول ۵ قدرت نفوذ- وابستگی برای متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۵- قدرت- نفوذ و میزان وابستگی متغیرهای تحقیق

میزان وابستگی	قدرت- نفوذ	متغیرهای پژوهش	
۱	۲	کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی	C1
۱	۲	کاهش پیچیدگی‌های محیطی	C2

۳	۲	تسهیل روند امور	C3
۴	۲	تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف	C4
۱	۴	بهبود و توسعه	C5
۲	۲	روند اجرای خط‌مشی‌ها و دانش‌محوری	C6
۲	۳	کاهش ریسک‌ها	C7
۱	۳	اصلاحات و ارتباطات	C8
۳	۲	توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد	C9
۳	۱	مسئولیت و سرمایه اجتماعی	C10



شکل ۲- نمودار قدرت- نفوذ و میزان وابستگی (خروجی میک- مک)

بر اساس قدرت وابستگی و نفوذ متغیرها، می‌توان دستگاه مختصاتی تعریف کرد و آن را به چهار قسمت مساوی تقسیم نمود. در این پژوهش، گروهی از متغیرها در زیرگروه محرک قرار گرفتند؛ این متغیرها قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کمی دارند. در دسته بعدی متغیرهای وابسته قرار دارند که به‌گونه‌ای، نتایج فرآیند توسعه محصول اند و کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. در این تحلیل متغیرها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی (رابط) و مستقل تقسیم می‌شوند.

خودمختار^۱:

متغیرهای خودمختار میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارند. این معیارها عموماً از سیستم جدا می‌شوند، زیرا دارای اتصالات ضعیف با سیستم هستند. تغییری در این متغیرها باعث تغییر جدی در سیستم نمی‌شود.

1- Autonomous variables

وابسته^۱:

متغیرهای وابسته دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف هستند. این متغیرها اصولاً تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمی روی سیستم دارند.

مستقل^۲:

متغیرهای مستقل دارای وابستگی کم و هدایت بالا می‌باشند؛ به عبارتی دیگر، تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم از ویژگی‌های این متغیرها است.

پیوندی^۳:

متغیرهای رابط یا پیوندی از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند؛ به عبارتی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این معیارها بسیار بالاست و هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در سیستم می‌شود.

بر اساس نمودار قدرت نفوذ-وابستگی متغیر «اجرای خط‌مشی‌ها و دانش‌محوری» قدرت نفوذ بالایی داشته و تأثیرپذیری کمی دارند و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفته است. متغیرهای «توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد» قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند؛ بنابراین، متغیرهای پیوندی هستند. دو متغیر «تسهیل روند امور» نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار هستند؛ بنابراین متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند. متغیر «کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی» نیز در ربع اول، یعنی ناحیه خودمختار قرار گرفته است.

بررسی وضعیت موجود کشور

نتایج بررسی وضعیت موجود کشور در مدل خط‌مشی‌گذاری طراحی شده جهت ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی، در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت مؤلفه

میانگین جامعه = ۳

فاصله اطمینان ۹۵٪		سطح معناداری	آماره آزمون t	اختلاف میانگین	نام متغیر
کران بالا	کران پایین				
۰.۷۴۴	۰.۵۱۵	۰.۰۰۱	۱۰.۸۸	۰.۶۹۲	روند اجرای خط‌مشی‌ها
۱.۰۲۷	۰.۸۴۹	۰.۰۰۱	۱۶.۵۹	۰.۹۶۴	توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد
۱.۴۸	۱.۳۴	۰.۰۰۱	۳۹.۴۵	۱.۴۱	کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی
۰.۲۲۰	-۰.۰۷	۰.۳۳۴	۰.۹۹	۰.۰۷۳	اصلاحات و ارتباطات
۰.۶۶۸	۰.۴۹۴	۰.۰۰۱	۱۳.۲۲	۰.۵۸۱	بهبود و توسعه
۰.۷۷۳	۰.۶۱۹	۰.۰۰۱	۱۸.۱۸	۰.۶۹۴	دانش‌محوری
۰.۴۴۲	۰.۲۴۶	۰.۰۰۱	۶.۹۱	۰.۳۳۴	کاهش پیچیدگی‌های محیطی

2- Dependent variables
2 - Independent variables

۱- Linkage variables

کاهش ریسک‌ها	۰.۰۳۳	۱.۰۰۸	۰.۲۸۲	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۹
تسهیل روند امور	۰.۹۱۶	۲۵.۶۶	۰.۰۰۱	۰.۸۴۵	۰.۹۸۶
تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف	۰.۵۳۴	۱۵.۹۲	۰.۰۰۱	۰.۴۶۸	۰.۶۰۲
مسئولیت و سرمایه اجتماعی	۰.۷۱۲	۲۲.۰۵	۰.۰۰۱	۰.۶۴۸	۰.۷۷۵

PAP
(۳) ۱۵

۱۷۱ | صفحه

برای بررسی شاخص‌ها در مدل خط‌مشی‌گذاری طراحی شده جهت ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی، میانگین شاخص‌ها با میانگین جامعه که برابر با ۳ است، مورد مقایسه قرار گرفتند؛ نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که در مدل مورد نظر آماره t محاسبه شده برای تمام شاخص‌ها به جز شاخص اصلاحات و ارتباطات و شاخص کاهش ریسک‌ها، بالاتر از ۱.۹۶ می‌باشد و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. مقایسه اختلاف میانگین این عامل با اختلاف میانگین جامعه صفر نشان می‌دهد که وضعیت تمامی شاخص‌ها به جز شاخص اصلاحات و ارتباطات و شاخص کاهش ریسک‌ها، در مدل خط‌مشی‌گذاری طراحی شده جهت ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی مطلوب می‌باشد.

آماره t محاسبه شده برای شاخص اصلاحات و ارتباطات و شاخص کاهش ریسک‌ها کمتر از ۱.۹۶ می‌باشد و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار نیست. مقایسه اختلاف میانگین این عامل با اختلاف میانگین جامعه صفر نشان می‌دهد که وضعیت شاخص اصلاحات و ارتباطات و شاخص کاهش ریسک‌ها در مدل خط‌مشی‌گذاری طراحی شده جهت ارتقاء نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی، در حد متوسط می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که می‌دانیم کشور ما نیاز ویژه‌ای به توسعه همه‌جانبه و در تمام ابعاد دارد. با عنایت به این که توسعه اقتصادی در رأس برنامه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه قرار دارد، ایجاد مناطق آزاد، یکی از راهکارهای مهم و تأثیرگذار در این راستا است و می‌تواند شکل‌گیری فرآیند توسعه را تسریع نماید؛ در حالی که شاهدیم با وجود این که هفت منطقه آزاد در ایران وجود دارد، ولی همچنان سطح توسعه اقتصادی داخلی کشور نامناسب است و لازم است کارکرد این مناطق در کشور و نقاط ضعف و قوت آن به صورت تخصصی مورد بررسی قرار گیرد.

در مطالعات صورت گرفته، مناطق آزاد صنعتی یا مناطق پردازش صادرات، به عنوان یکی از ابزارهای گسترش صادرات صنعتی و تسهیل دسترسی کشورهای به بازارهای جهانی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخورداری کالاهای صادراتی از شرایط تجارت آزاد می‌تواند نقش مهمی در توسعه صادرات داشته باشد که برای فراهم ساختن شرایط تجارت آزاد، مناسب‌ترین روش، مناطق آزاد تجاری هستند. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده‌اند که ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، امکانات جدیدی را برای رونق صادرات فراهم می‌آورد، سبب ایجاد اشتغال شده و انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی را به دنبال داشته و موجب افزایش درآمد ملی و درآمد ارزی می‌شود؛ از این رو، سیاست‌گذاران بالادستی در ایران نیز این مناطق را برای دستیابی به اهداف پیش‌گفته مورد توجه قرار می‌دهند.

همچنین در کشورهای در حال توسعه، مناطق آزاد تجاری - صنعتی به عنوان بستری مناسب و تأثیرگذار برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، به صنعتی شدن و رشد اشتغال کمک کرده‌اند. واقعیت این است که طرفداران نظریه وابستگی تلاش کردند تا نارسایی‌های اجتماعی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را متأثر از روابط یک‌سویه با کشورهای پیشرفته نشان دهند و این نکته را نادیده می‌گرفتند که رقابت میان کشورها و مؤسسات اقتصادی، برای انباشت سرمایه و کسب ارزش افزوده یک واقعیت

است و به جای مقابله با فرآیند رقابت در امر تولید، باید با آن همگام شد؛ در مقابل، نظریه وابستگی معتقد بود که روابط کشورها در نظام تولید جهانی یک بازی، با حاصل جمع صفر است که در آن سود کشورهای توسعه یافته لزماً به معنای همان مقدار زیان برای کشورهای در حال توسعه است. به همین دلیل از دهه ۱۹۶۰ به بعد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های توسعه را بر مبنای خودکفایی تنظیم کردند و خود را از مزایای رقابت در بازار تولید جهانی، مانند ایجاد انگیزه برای ارتقاء فناوری و ساختار اجرای مدل‌سازی سازمانی تولید ملی، بهره‌گیری از مزایای همکاری در نظام تولید، ارتقاء و بهبود زیرساخت‌ها و سرمایه‌های عمومی، ارتقاء مهارت و دانش نیروی کار، تنوع‌بخشی به اقتصاد ملی، انگیزه افزایش کیفیت تولید ملی و بهره‌گیری از اقتصاد مقیاس، محروم ساختند. با وجود نقش انکارناپذیر نیروهای خارجی در جهت‌دهی به جریان فضایی سرمایه، باید پذیرفت که کشورهای در حال توسعه از پتانسیل سرمایه‌پذیری پایینی در نظام تولید و رقابت جهانی نیز برخوردار هستند و علی‌رغم بازار مصرف گسترده و فزاینده، بازار تولید و فراوری کالا در آن‌ها از مزیت‌های نسبی - مکانی کافی برخوردار نیست و توانایی لازم را برای جذب سرمایه ندارند؛ لذا لازم است تا به جای اعطای یارانه‌ها به بخش صنعت و تجارت، محیط کسب‌وکار را برای سرمایه‌گذار جذاب کنند و با تسهیل روند و ارائه مشوق‌های لازم برای حضور سرمایه‌گذاران، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم نمایند و کارکرد درست و مناسب مناطق آزاد تجاری - صنعتی در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها برای دستیابی به این هدف باشد.

همان‌گونه که اشاره شد بر اساس مطالعات متعدد، راهبرد تجارت خارجی نیز بر عملکرد مناطق آزاد دارای تأثیرات عمده‌ای است؛ به بیان دیگر، هدف اصلی از ایجاد مناطق آزاد، پیوستن به نظام تجارت جهانی و تجارت منطقه‌ای و تمرین آزادسازی تجاری است و اگر از این موضوع تبیین روشنی به عمل نیاید و نحوه تعامل با نظام تجارت جهانی مشخص نباشد، نمی‌توان انتظار موفقیت از مناطق آزاد را داشت و با توجه به این که تجارت خارجی کشور ما متأثر از تحریم‌های ظالمانه اقتصادی است، اتخاذ سیاست‌های لازم برای پیشگیری از رکود فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در مناطق آزاد ایران از سوی سیاست‌گذاران ضروری است و باید با در نظر گرفتن هدف عمده تأسیس مناطق آزاد که جذب سرمایه‌های خارجی است، سایر ابعاد و شاخص‌های تأثیرگذار در بهبود شاخص‌ها را شناسایی و در آن جهت برنامه‌ریزی نماییم و بدانیم که با توسعه سرمایه‌گذاری، مخصوصاً در حوزه‌های تولید، صادرات و انتقال فناوری‌های پیشرفته، اهداف دیگر نیز محقق خواهند شد.

جانسون (۲۰۱۴)^۱ تأکید می‌کند که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد، صرفاً به جریان سرمایه به کشور میزبان ختم نمی‌شود، بلکه سایر آثار سرریز آن نیز شاخص‌های اقتصادی آن کشور را تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهند؛ اولین اثر سرریزی که جانسون از آن بحث می‌کند، آن است که ورود شرکت‌های خارجی در یک منطقه آزاد، شرایطی را برای بنگاه‌های داخلی فراهم می‌آورد که فناوری، بازاریابی و الگوهای مدیریتی را به صورت یک‌جا مورد استفاده قرار داده و عملکرد خود را بهبود بخشند (Tax Affairs Organization, 2014)؛ چرا که از آثار سرریز تأسیس مناطق آزاد در کشورها، انتقال فناوری، بهبود مهارت‌های مدیریتی، آثار یادگیری و توسعه سرمایه انسانی است.

از سوی دیگر، با توجه به این که مناطق آزاد در توسعه زیرساخت‌های خود نیز از منابع مالی و عمومی استفاده نمی‌کنند و اعتبارات مورد نیاز برای توسعه زیرساخت‌های تولید و تجارت در مناطق نیز از درآمدهای مناطق تأمین می‌شود که تجهیز آن عمیقاً وابسته به جذابیت خدمات مناطق برای بخش خصوصی است، می‌توان ادعا کرد که بخش مهمی از حمایت تسهیل‌گرانه از تولید و تجارت در این مناطق بر اساس ارتقای کارایی حکمرانی اقتصادی بنا شده است. حکمرانی اقتصادی کارآمد در مناطق آزاد، روند تشکیل سرمایه را برای بنگاه‌ها تسهیل کرده و به این ترتیب، تأسیس بنگاه‌های جدید سریع‌تر و آسان‌تر و به‌روزرسانی یا توسعه زیرساخت‌ها و فناوری بنگاه‌های موجود سودآورتر خواهد بود. این جذابیت‌ها موجب علاقه‌مندی فعالان اقتصادی به استفاده از خدمات مناطق

آزاد، افزایش درآمدهای مناطق و توسعه زیرساخت‌ها می‌شود. این درآمدها صرف توسعه زیرساخت‌های مناطق می‌شود و ارتقا و بهبود زیرساخت‌ها، افزایش جذابیت مناطق برای فعالیتهای اقتصادی را در پی دارد. این چرخه رشد و شکوفایی مناطق آزاد، بر محور حکمرانی کارآمد اقتصادی است (khanzadi & Banhashemnezhad, 2020).

لازم به ذکر است که علی‌رغم فلسفه وجودی ایجاد مناطق آزاد که رهایی بیشتر کارآفرینان از قوانین و مقررات دست و پا گیر سرزمین اصلی به نفع سرعت یافتن جریان تولید و سرمایه‌گذاری است، در مجموع مناطق آزاد ایران، به‌مرور به سمت محدودیت بیشتر برای فعالان اقتصادی سوق یافته است. به‌جز آن، برخی پیچیدگی‌های فرا قانونی نیز به چالش‌های مدیریت در این مناطق اضافه نموده است، از جمله فقدان واگذاری مدیریت دستگاه‌های اجرایی در مناطق که از سوی عموم دستگاه‌ها با مقاومت‌هایی روبه‌رو بوده و هست. همچنین عدم وجود بررسی‌های کارشناسی کافی در تعیین موقعیت و وسعت مناطق آزاد ایران و جمعیت زیاد و جغرافیای وسیع مناطق آزاد، تعداد روستاها و نیازهای مردم به دسترسی‌های بهداشتی، درمانی، آموزشی و... مسئولیت‌هایی را ایجاد می‌نماید که در بیشتر مناطق آزاد جهان یا موضوعیت نداشته و یا با مشارکت بخش خصوصی فعال در ایجاد زیرساخت‌ها، تأمین می‌شود. این امر نیز بر پیچیدگی‌ها و چالش‌های مدیریت در مناطق آزاد ایران می‌افزاید. بی‌ثباتی در محیط سیاسی و اقتصادی و ف‌فقدان زیرساخت‌های کافی و آماده هم از عواملی دیگری هستند که با وجود آن‌ها نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم این مناطق در ایران بتوانند در اقتصاد کشور، نقشی متمایز و رهایی‌بخش ایفا کنند و لازم است که الزامات تحقق چنین نقشی به آن‌ها واگذار و زیرساخت‌های آن فراهم گردد.

همچنین اقتصاد ایران بیش از شش دهه است که گرفتار «اعتیاد نفتی» است. در طول دهه‌های گذشته، سیاست‌گذاران و حکمرانان اقتصادی با درک بخشی از آسیب‌های این اعتیاد برای اقتصاد و جامعه کشور، به‌ویژه آسیب‌پذیری بالا در برابر نوسان قیمت نفت، کوشیدند با متنوع سازی سبد تولیدات کشور، ایران را از بند اعتیاد نفتی رها کنند؛ اما الگوهای مورد استفاده در این تلاش‌ها برای تحرک بخشی به تولید، همچنان گرفتار «نگاه دولت نفتی به اقتصاد» بوده و توسعه گلخانه‌ای و آمرانه ناشی از این نگاه، هرگز منجر به خلق یک اکوسیستم پویا و پایای خلق ارزش افزوده مستقل و در انزوا در اقتصاد کشور نشد؛ در حالی که امروزه تجربه بسیاری از کشورها مانند چین، کره جنوبی، تایوان نشان می‌دهد که می‌توان با ایجاد مناطق پردازش صادرات یا مناطق آزاد تجاری-صنعتی، امکان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه صادرات کالاهای صنعتی و در نتیجه، درآمدهای ارزی کشور را افزایش داد؛ همچنین ایجاد شرایط ثبات و رفاه امری ضروری اعلام شده و سازمان ملل موظف به تشویق ارتقاء سطح زندگی، ایجاد کار برای همه، حصول شرایط رشد اقتصادی، اجتماعی و توسعه، شده است و تحقق چنین فرآیندی در پرتو اقدامات فردی و همگانی دول عضو با همکاری سازمان ملل متحد خواهد بود.

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، برجسته‌ترین کارکرد نوین مناطق آزاد پرداختن به توسعه صادرات کشور است. همان‌گونه که از عنوان مناطق پردازش صادرات که عنوانی با پیشینه غنی بوده است، بر می‌آید: مناطق آزاد سکویی برای توسعه و گسترش صنعت صادرات کشور محسوب می‌شوند. در این میان استفاده از تزلزل اقتصادی برگرفته از عدم ثبات سیاسی کشورهای همسایه می‌تواند موقعیت‌های مناسب و چشمگیری برای صادرکنندگان ایرانی به وجود آورد تا بازارهای مناسبی را برای تولیدات خود ایجاد نمایند. با تکیه بر کارکردها و پتانسیل‌های مناطق آزاد و رفع چالش‌های موجود، می‌توان کوشید تا هر چه سریع‌تر و عمیق‌تر بازارهای تشنه و نیازمند را در اختیار گرفته و پایگاهی مناسب و قابل اعتماد با رعایت اصول و ارزش‌های حاکم بر کشورهای واردکننده، برای تولیدات کشور خود در کوتاه‌مدت و بلندمدت فراهم آورد.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وضعیت همه شاخص‌ها به‌جز شاخص اصلاحات و ارتباطات و شاخص کاهش ریسک‌ها، در مدل مطلوب می‌باشد. توسعه اقتصادی به عنوان یکی از ارکان اصلی برای توسعه‌یافتگی در کشورهای در حال توسعه، باید با عزمی

راسخ، دنبال شود. مؤلفه‌های زیادی درون سرزمین کشورها برای رسیدن به توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند که یکی از این مؤلفه‌ها، ایجاد برخی از بنادر و شهرها، به عنوان منطقه آزاد است تا از این طریق بتوان، تجارت پرسود را برای کشور، منطقه مرزی و استان مورد نظر و به‌طور کلی در سطح ملی و منطقه‌ای و حتی برخی مناطق آزاد را در سطح جهان، در راستای توسعه اقتصادی قرار داد.

اجرای مدل‌سازی

ساختاری-

تفسیری ...

۱۷۴ | صفحه

بر اساس نمودار قدرت نفوذ-وابستگی، متغیر «اجرای خط‌مشی‌ها و دانش‌محوری» قدرت نفوذ بالایی داشته و تأثیرپذیری کمی دارد و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفته است. متغیرهای «توسعه مزیت‌های ویژه مناطق آزاد» قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند؛ بنابراین، متغیرهای پیوندی هستند. دو متغیر «تسهیل روند امور» نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار هستند؛ بنابراین متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند. متغیر «کارکردها و قابلیت‌های اقتصادی» نیز در ربع اول، یعنی ناحیه خودمختار قرار گرفته است.

نظر به این که نتایج نشان داد که اجرای خط‌مشی‌ها و دانش‌محوری قدرت نفوذ بالایی دارد، پیشنهاد می‌گردد که به علل عدم تحقق اهداف مناطق آزاد توجه شود؛ به‌عنوان مثال، یکی از اصلی‌ترین علل عدم تحقق اهداف اصلی مناطق آزاد، ریشه در شیوه اعطای امتیازات در این مناطق دارد. اعطای امتیازاتی در مناطق آزاد نظیر معافیت مالیاتی و معافیت از حقوق ورودی، به صورت عام به تمامی فعالیت‌های اقتصادی و تمامی اقلام وارداتی تعلق گرفته است. پیشنهاد می‌گردد مانند بسیاری از مناطق ویژه (آزاد) اقتصادی موفق دنیا، امتیازات به صورت هدفمند و در راستای اهداف اصلی این مناطق اعطا شود و برای رفع چالش‌های اصلی در حال حاضر مناطق آزاد کشور از جمله تأثیرپذیری نامطلوب مناطق آزاد از سیاست‌های کلان کشور، مشکلات ساختار در تأسیس و اداره مناطق، مشکلات ناشی از کیفیت حکمرانی کلان اقتصادی کشور و عدم تحقق آزادی اقتصادی در مناطق آزاد برای فعالیت‌های در چارچوب قوانین با نگاهی همه‌جانبه و راهبردی و با توجه به میزان نفوذپذیری و تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای حاصل شده در پژوهش، خط‌مشی‌گذاری نمود.

محقق در انجام تحقیق حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است، از جمله: اطلاعات از منبعی واحد به دست آمده است و تعمیم آن‌ها به مناطق دیگر جای احتیاط دارد؛ همچنین، امکان وارد شدن متغیرهای مداخله‌گر مهم دیگر به تحقیق به علت پیچیدگی‌های زیاد آن‌ها وجود نداشته است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که مطالعات آینده به صورت مقایسه‌ای در مورد چندین منطقه آزاد در کشورهای مختلف و در زمینه ابعاد مختلف آن صورت گیرد. محققان علاقه‌مند به این زمینه می‌توانند در آینده در مورد اثرات مثبت توسعه مناطق آزاد بر جنبه‌های غیراقتصادی جامعه نیز تحقیق کنند.

سپاسگزاری

اگر مقاله از جایی کمک مالی دریافت کرده با شماره حتما در این بخش اعلام شود. اگر هم دریافت نشده نوشته شود مقاله بدون دریافت کمک مالی انجام شده است.

فهرست منابع

1. Aggarwal, A. (2022). Special Economic Zones in the Indonesia–Malaysia–Thailand Growth Triangle. Opportunities for Collaboration.
2. Begg, I. (2012). Investability: The Key to Competitive Regions and Cities? *Regional Studies*, 36 (2): 187-193.
3. Cox K.R. & Mair, A. (2018). Locality and Community in the Politics of Local Economic Development, *Annals of the Association of American Geographers*, 78(2): 307-325.
4. Mamman, A., Suleiman, M. & Ishak, I. (2013). Globalization and its consequences: Malaysian managerial perspectives and implications, *Asia Pacific Business Review*, 19 (1): 102-128.

5. Economic Studies Office of the Economic Research Deputy of the Islamic Council (2015). Meta-analysis of free zone studies, subject code 220, serial number 15068 (in persian).
6. Iran Islamic Council Research Center (1997). Investigating the goals, characteristics and function of industrial free trade zones in the world and Iran, Bureau of Economic Surveys (in persian).
7. Islamic Council Research Center (2015). Meta-analysis of studies of free zones, deputy of economic researches, office of economic studies (in persian).
8. Islamic Council Research Center (2020). Analysis and review of the economic performance of commercial-industrial free zones of the Islamic Republic of Iran, Economic Studies Office of the Vice-President of Economic Research of the Islamic Council, subject code 220, serial number 17492 (in persian).
9. Khanzadi, M. & Bani Hashemnejad, F. (2020). Report on the performance of commercial-industrial special economic zones in the government of Tadbir and Omid, communication and information management of MAVA: 60-12 (in persian).
10. Ministry of Economic Affairs and Finance (2015). Comparing the performance of successful free trade zones in the world and Iran and investigating the extent to which the goals of creating these zones have been achieved in Iran (in persian).
11. Pitzl, R. G. (2014). Encyclopedia of Human Geography, London, GP publishing.
12. Qanbarpur, K., Mahkooi, H., Amiri, A. & Zainul Abedin Amouqin, Y. (2020). Analysis of the impact of free zones on economic development in Iran, a case study: Aras Free Zone, Geography and Environmental Studies Quarterly/ Year 10, No. 39: 7-27 (in persian).
13. Sabine, D. & Hesse, M. (2022). Zones and zoning: Linking the geographies of freeports with ArtTech and financial market making. *Geoforum* 134 (2022) 165–172.
14. Sarukhani, B., Adhami, A. R.; Mohammadzadeh, H. (2020). Social capital underlying economic development, two quarterly journals of economic sociology and development, 10th year, number 1: 241-266 (in persian).
15. Secretariat of the Supreme Council of Free Commercial Industrial and Special Economic Zones (2014). The president's five-year plan for industrial free trade zones as an example and model for Iran's economic development in 1404 (in persian).
16. Shakoui, H. (2014). New perspectives in urban geography, Tehran: Samt (in persian).
17. Sklair, L. (2010). Competing Conceptions of Globalization, in George Ritzer and Zeynep Atalay, Readings in Globalization Key Concepts and Major Debates, West Sussex, Blackwell Publishing Ltd.
18. Tax Affairs Organization (2014). Tax incentives and the performance of free zones in Iran, Deputy Research, Planning and International Affairs: 11 (in persian).
19. Turok, I. (2014). Cities, Regions and Competitiveness, *Regional Studies*, 38(9): 1069-1083.
20. U.S. Agency for International Development, A.I.D (1983). Free Zones in Developing Countries: Expanding Opportunities for the Private Sector, Program Evolution Discussion Paper No. 18, Nov. p: 3.
21. Wallerstein, I. (2010). The Modern World-System: Theoretical Reprise, in George Ritzer and Zeynep Atalay, Readings In Globalization Key Concepts And Major Debates, West Sussex, Blackwell Publishing Ltd.
22. Wanling, B., Liu, H. ... & Zheng, M. (2022). Does the establishment of Pilot Free Trade Test Zones promote the transformation and upgradation of trade patterns? *Economic Analysis and Policy* Volume 76, December 2022, P: 114-128.
23. Sage A.P. (1977). Modeling Structural Interpretive, Methodology for large scale systems, New York, NY: McGraw-Hill.
24. Warf, B. (2016). Encyclopedia of Human Geography, London: SAGE publication.
25. Zeng, D, & Notes, A. (2021). The Past, Present, and Future of Special Economic Zones and Their Impact. *Journal of International Economic Law*, 24(2).259-275.
26. Delimatsis,P, Notes,A(2021). Financial Services Trade in Special Economic Zones. *Journal of International Economic Law*.2(24). 277–297.